

مشارکت زنان روستایی و پروژه‌های منابع طبیعی و جنگل

مینا حبیبی^۱، ستاره خان‌نژاد^۲، سجاد قنبری^{۳*}

^۱ و ^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز، ایران

^{۳*} استادیار، گروه جنگل‌داری، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز، ایران. ghanbarisajad@gmail.com

چکیده

در مطالعه حاضر نقش زنان در مناطق روستایی و همچنین نقش آن‌ها در حفاظت از منابع طبیعی به صورت آشکار بیان شده است. بیشتر مردم روستایی و عشایری، اعم از مردان و زنان کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، در بخش کشاورزی اشتغال دارند و فعالیت‌های شغلی آنان در ارتباط مستقیم با این منابع طبیعی است. زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه روستایی دارند. برخلاف این که زنان وابستگی و ارتباط بیشتری نسبت به مردان به منابع طبیعی برای استفاده خانواده و درآمد دارند، آنها اغلب در تصمیمات مربوط به مدیریت منابع تأثیر کمتری نسبت به مردان دارند. زنان در کشورهای در حال توسعه اغلب نقش مراقبت از خانواده را به عهده می‌گیرند. در بعضی از قسمت‌های جهان، زنان به منابع جنگلی برای رفاه افرادی که تحت مراقبت آنها هستند، وابسته می‌باشند. این فعالیت‌ها، مخصوصاً جمع‌آوری تولیدات جنگلی برای بعضی اهداف نظیر سوخت، حصارکشی، غذا برای خانواده و علوفه برای دام را دربر می‌گیرد. چهار راهبرد دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی در جلب مشارکت زنان در منابع طبیعی مورد توجه می‌باشد. به‌منظور تقویت مشارکت زنان در امر ترویج و توسعه و احیای منابع طبیعی نیاز به فعالیت‌های تبلیغ، مشارکت زنان در طرح‌های آموزشی منابع طبیعی و ارتقاء سطح آگاهی اقشار مختلف جامعه به‌ویژه زنان و افزایش حسن اعتماد و خوداتکایی و سرعت در انجام طرح‌ها و پروژه‌های منابع طبیعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، مشارکت، منابع طبیعی، مناطق روستایی

بیان مسأله

با تغییرات و تحولاتی که در جامعه بشری اتفاق افتاده است، دیدگاه‌ها نسبت به زن تغییر یافته و سبب شده است که زنان با حضور در جامعه، بتوانند در فرآیند توسعه نیز بیش از پیش ایفای نقش کنند (اشرف‌حامدی، ۱۳۸۵). بخشی از این توسعه و پیشرفت مربوط به توسعه پایدار روستایی می‌باشد که لازم آن، مشارکت زنان در تمامی زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. روحیات، احساسات و ارتباطات متفاوتی که زنان در مقایسه با مردان دارند سبب شده است تا آن‌ها به نابودی و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی بیش از مردان توجه کنند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱). بیشتر مردم روستایی و عشایری، اعم از مردان و زنان کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، در بخش کشاورزی اشتغال دارند و فعالیت‌های شغلی آنان در ارتباط مستقیم با این منابع طبیعی است. پس با توجه به ارتباط مستقیم زندگی روستاییان و از جمله زنان روستایی با این منابع، باید مشارکت زنان در طرح‌های منابع طبیعی و توسعه روستایی، در اولویت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد (Karamidehkordi, 2010). توجه به مشارکت زنان به منزله نیمی از منابع انسانی، از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به‌شمار می‌رود. به‌علاوه ابزار مؤثری در تحقق اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود؛ از این‌رو، از شاخص‌های درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقش زنان در آن کشور است. با توجه به پتانسیل‌های موجود در زنان و توان بالقوه آنان می‌توان در جهت انجام بخشی از اهداف و برنامه‌های توسعه از مشارکت آنان بهره جست. مشارکت زنان به معنی دخالت همه‌جانبه آنان اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در امور اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی است که به آنان امکان می‌دهد در فرآیند مدیریت جامعه مشارکت فعالی داشته باشند (فاضل‌نیا و محبی‌خیرآبادی، ۱۳۹۱). جهت مشارکت همگانی مردم روستایی مخصوصاً زنان، ابتدا باید ظرفیت‌های آن‌ها را شناسایی کرده و به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی آن‌ها، کمک کرد. برای تحقق این امر مهم، باید زنان روستایی وارد عمل شوند و در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های مشارکتی ظرفیت‌سازی از آنان بهره گرفت. آشکارسازی و روشن کردن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جوامع روستایی به درک آن‌ها نسبت به اهمیت منابع طبیعی کمک کرده و از طرفی سبب می‌شود تا درک صحیح‌تری از ارتباط معیشت خودشان با منابع طبیعی داشته باشند و در حفظ این منابع خدادادی برای نسل‌های آینده تلاش کرده و مشارکت بهتری داشته باشند. بنابراین، باید به زنان روستایی در جهت پی بردن آنان به ظرفیت‌های موجودشان و ظرفیت‌سازی توانایی‌های نهفته آنان توجه لازم کرد و با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مناسب در جهت بهبود مدیریت منابع طبیعی و حفظ این منابع، ابتدا به ظرفیت‌سازی و تقویت توانایی‌های آنان پرداخت و با این زمینه‌سازی، مشارکت دادن آن‌ها در طرح‌های مختلف منابع طبیعی و توسعه روستایی فراهم خواهد شد (خوشبو و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، نقش زنان به منزله عضو فعال و مؤثر خانوار روستایی در اعمال مدیریت مشارکتی چشمگیر است و باید اقدامات لازم در جهت جلب مشارکت آنان در رهیافت مذکور انجام گیرد که این خود مستلزم شناخت نیازهای آنان است.

معرفی دستاوردها

- زنان و اهمیت مشارکت آنها

برخلاف اینکه زنان وابستگی بیشتری نسبت به مردان به منابع غیرچوبی برای استفاده خانواده و درآمد دارند، آنها اغلب در تصمیمات مربوط به مدیریت منابع تأثیر کمتری نسبت به مردان دارند، و اغلب، اولویت‌هایشان در نظر گرفته نمی‌شود. در آمریکای لاتین، زنان با استفاده از تکنولوژی‌های خاص (تورها، تله‌های سبیدی، ماهی‌گیری مضر) نقش بیشتری در شکار دارند ولی در بقیه کارها، نقش زیادی ندارند؛ در بعضی جوامع، زنان افرادی هستند که حیوانات را شناسایی و ردیابی می‌کنند.

ارزیابی‌های استفاده محلی از محصولات غیرچوبی باید این تفاوت‌ها را شناسایی کرده و یک تلاش ویژه برای مشارکت زنان و نشان دادن نیازهایشان انجام دهد.

از قدیم، زنان برای معیشت و اقتصاد خانوارها، علی‌الخصوص در مناطق جنگلی، مشارکت زیادی داشته و از نظر فرهنگی کاملاً پذیرفته شده است. نقش زنان در جمع‌آوری، فرآوری، مصرف و تجارت محصولات غیرچوبی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. و این کارها را به‌طور همزمان و هماهنگ با فعالیت‌های خانگی انجام داده و به‌طور مستقیم در افزایش درآمد خانوار سهیم می‌شوند (Hasalkar and Jadhav, 2004). عملیات فرآوری روی محصولات برداشت شده علی‌الخصوص میوه-ها، عمدتاً توسط زنان صورت می‌گیرد. انجام فرآوری روی میوه‌های برداشت شده از طریق زنان، هم میزان اشتغال زنان را بالا می‌برد و از طرف دیگر ارزش افزوده محصولات را چند برابر می‌کند (Kalu and Rachael, 2006). جمع‌آوری و فرآوری تولیدات جنگلی به دلایل مختلفی از جمله: سهولت دسترسی به منابع جنگلی، انجام همزمان کارهای خانه با ایجاد درآمد و دانش و اطلاعات آنها در استفاده از تولیدات جنگل، توسط زنان بیشتر حمایت می‌شود.

- زنان و جنگلداری در جهان در حال توسعه

زنان در کشورهای در حال توسعه اغلب نقش مراقبت از خانواده را به‌عهده می‌گیرند. در بعضی از قسمت‌های جهان، زنان به منابع جنگلی برای رفاه افرادی که تحت مراقبت آنها هستند، وابسته می‌باشند. این فعالیت‌ها، مخصوصاً جمع‌آوری تولیدات جنگلی برای بعضی اهداف نظیر سوخت، حصارکشی، غذا برای خانواده و علوفه برای دام را دربر می‌گیرد (IUCN). روابط ویژه مابین زنان و جنگل‌ها در مثال‌های زیر برجسته می‌شود.

- زیمبابوه: بیشتر از نصف ۸۰۰ هزار خانواده کشاورز ساکن در نواحی جمعی توسط زنان سرپرستی می‌شود. در این نواحی، گروه‌های زنان، منابع جنگلی و پروژه‌های توسعه را از طریق مالکیت مناطق خاص جنگلی برای رشد درختان^۱، کاشت درختان و توسعه نهالستان و مدیریت مناطق خاص و ممنوعه در جنگل برای رشد درختان، مدیریت می‌کنند (IUCN).
- در منطقه اوتار^۲ هند: یک مطالعه نشان داد که زنان ۴۵-۳۳ درصد از درآمدشان را از جنگل‌ها و زمین‌های معمولی بدست می‌آورند که این مقدار برای مردان تنها ۱۳ درصد می‌باشد (IUCN).

حتی با وجود این واقعیت، اغلب اوقات، زنان در موقع سیاست‌گذاری برای مدیریت جنگل نادیده گرفته می‌شوند و مثال زیر نشانگر این مخمسه می‌باشد:

در کالیمانتال شرقی^۳ اندونزی، نگرانی زنان برای تغذیه کردن خانواده خود با برنج کافی برای معیشت یک فاکتور عمده در تصمیم‌گیری خانواده درباره میزان پاک‌تراشی سالانه جنگل بود. هنوز برای مدیران جنگل بیگانه بود که فعالیت‌ها و دیدگاه‌های زنان باید در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده شود (فائو/کالفر^۴). این چنین وضعیت‌ها، ظاهراً با این ادعا که مشارکت عمومی برای توسعه سیاست‌های خوب جنگلداری پایدار ضروری است، مغایرت دارد زیرا، زنان- یک بخش عمده این سیاست- از سیاست توسعه و اجرا مستثنی هستند. این کار به دلایل زیادی مسئله‌ساز می‌باشد، از جمله تشخیص این که آیا به جنسیت با توجه به مدیریت پایدار جنگل توجه می‌شود، کارآیی سیاست‌ها تقویت می‌شود، امنیت غذایی افزایش می‌یابد، درگیری‌های بالقوه در بین کاربران جنگل کاهش می‌یابد، و زنان دسترسی برابر برای مالکیت زمین دارند (IUCN).

¹ woodlot

² Uttar

³ East Kalimantan

⁴ FAO/Colfer

- راهبردهای جلب مشارکت زنان در منابع طبیعی

چهار راهبرد دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی در جلب مشارکت زنان در منابع طبیعی مورد توجه می‌باشد.

۱. نظام مشارکت دولتی: در این شیوه تمامی مراحل مدیریت بر منابع طبیعی در بخش‌های مختلف جنگل، مرتع و بیابان توسط دولت اداره شده و سرمایه‌گذاری دولت موجب فعالیت بخش عمده‌ای از زنان در بخش صنایع دستی و فرآوری و گیاهان دارویی می‌شود.
 ۲. نظام مشارکت خصوصی: این راهبرد با استفاده از سرمایه‌های شخصی و بهره‌مندی از تسهیلات بانکی، در زمینه حفاظت، احیا، اصلاح، بهره‌برداری بهینه و توسعه منابع طبیعی اقدام می‌کند، فعالیت‌هایی مانند تهیه طرح، تدوین دستورالعمل‌های فنی و اجرایی، نظارت و پشتیبانی توسط دولت انجام می‌شود و اجرای پروژه‌ها با مدیریت بخش خصوصی انجام می‌گیرد.
 ۳. نظام مشارکت زنان به شیوه تعاونی: تعاونی به عنوان یک نظام مشارکتی در مناطقی تشکیل می‌گردد که به علت مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امکان اجرای سایر نظام‌های بهره‌برداری به شیوه‌های دولتی و خصوصی میسر نیست.
 ۴. نظام مشارکت عمومی: این مشارکت می‌تواند از سنین خردسالی شروع شود و تا سنین کهولت تداوم داشته باشد. در نظام مشارکت عمومی از طریق آموزش‌های همگانی، در بین اقشار مختلف مردم ایجاد حساسیت می‌شود.
- به منظور تقویت مشارکت زنان در امر ترویج و توسعه و احیای منابع طبیعی نیاز به فعالیت‌های تبلیغ، مشارکت زنان در طرح‌های آموزشی منابع طبیعی و ارتقاء سطح آگاهی اقشار مختلف جامعه به ویژه زنان و افزایش حسن اعتماد و خوداتکایی و سرعت در انجام طرح‌ها و پروژه‌های منابع طبیعی می‌باشد. بنابراین زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال و پویا جامعه دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های فراوانی در امر ترویج و توسعه منابع طبیعی می‌باشند که از نیروی بالقوه آنان می‌توان در عرصه‌ها و زمینه‌های فوق‌الذکر استفاده نمود.

توصیه ترویجی

نگهداری و حمایت از منابع طبیعی بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این بین اهمیت نقش زنان به عنوان نیمی از بهره‌برداران منابع طبیعی بر کسی پوشیده نیست. برای زمینه‌سازی، آماده کردن و جلب مشارکت زنان، ترویج و گسترش فرهنگ منابع طبیعی به طور خاصی باید در قالب انجمن‌ها، تشکل‌ها، سازمان‌های غیردولتی NGO ها و تعاونی‌های خاص منابع طبیعی سازماندهی شود و نیز مدیریت عرصه‌های طبیعی به شیوه مشارکت مردمی برنامه‌ریزی گردد. این امر مستلزم پشتیبانی، حمایت‌های آموزشی، حقوقی، اداری، اعتباری و برنامه‌ای می‌باشد و به عنوان یک حرکت پویا در جریان زمان، تقویت شده و تکامل می‌یابد. می‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت و هدفمند و تخصیص بودجه مشخص، جهت حمایت از طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و اجرایی دولتی و غیردولتی در زمینه تقویت مشارکت زنان پی‌ریزی نمود. راهبردهای مشارکتی خصوصی و تعاونی برای تقویت مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف می‌تواند بیشتر و پررنگ‌تر از بقیه راهبردها مورد توجه قرار بگیرد. انتظار می‌رود در صورت برنامه‌ریزی صحیح و ایجاد هماهنگی لازم با مسئولان مربوطه و جلب مشارکت فعال زنان روستایی، عشایری و شهری در امر حفظ، احیاء و توسعه عرصه‌های منابع طبیعی بتوان گام اساسی در جهت تبدیل فرهنگ منابع طبیعی به معارف عمومی برداشت.

فهرست منابع

- اشرف حامدی، ع. ۱۳۸۵. چگونگی مشارکت زنان در تشکل‌های اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان. ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۵، سال ۲۶، ص ۱۰۱-۱۲۵.
- خسروی، م.ع.، دهشیار، ح. و ابطحی، ص. ۱۳۹۱. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، ۵ (۲۰): ۹۹-۱۳۲.
- خوشبو، پ.، چیدری، م و فرهادیان، ه. ۱۳۹۲. تأثیر شوراهای اسلامی در توانمندی روستاییان به‌منظور حفاظت از منابع طبیعی. اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دستداران محیط زیست و انجمن حمایت از طبیعی یاران، ۱۳ ص.
- فاضل‌نیا، غ. و محبی‌خیرآبادی، ز. ۱۳۹۱. بررسی نقش مشارکت زنان در پایداری اقتصاد روستایی. همایش ملی توسعه روستایی، گیلان، رشت.
- Hasalkar, S. and Jadhav, V. 2004. Role of women in the use of non-timber forest produce: a review. *Journal of Social Sciences*, 8 (3): 203-206.
- Kalu, C. and Rachael, E. 2006. Women in Processing and Marketing of Non-timber Forest Products: Case Study of Benin City, Nigeria. *J Agron*, 5 (2): 326-331.
- Karamidehkordi, E. 2010. A country report: challenges facing Iranian Agriculture and Natural Resource Management in the twenty-first century. *Human ecology*, 38 (2): 295-303.